

به نام یزدان پاک

جزوه جامع واژگان

زبان انگلیسی

پایه دهم

کتاب دانش آموز و کتاب کار

به همراه مثال های پر تکرار نهایی

و هماندهای مهم

گردآورنده:

لیلا تقی زاده

Lesson one: Saving Nature

۱-add اضافه کردن

۲-a few = not many; a small number of things or people تعداد کمی

Example:

There are a few Iranian cheetahs alive. یوزپلنگ های زنده ایرانی کمی وجود دارند.

۳-alive زنده

Example:

I heard around ۷۰ of them are alive. من شنیدم حدودا هفتاد یوزپلنگ، زنده هستند.

۴-amazing شگفت انگیز/ جالب

۵-among در میان

Example:

The Iranian cheetah is among endangered animals.

یوزپلنگ ایرانی در میان/ در زمره ی حیوانات در معرض انقراض قرار دارد.

۶-average میانگین/ متوسط

۷-appropriate مناسب

۸-around اطراف/ حدودا

Example:

I heard around ۷۰ of them are alive. من شنیدم حدودا هفتاد یوزپلنگ، زنده هستند.

۹-attention توجه

pay + attention + to توجه کردن به...

Example:

a. Pay attention! Don't swim here. توجه! این جا شنا نکنید!

b. Hopefully, people will pay more attention to wildlife in the future.

خوشبختانه در آینده مردم توجه بیشتری به حیات وحش خواهند داشت

۱۰-base on بر اساس

۱۱-bear خرس

۱۲-boring کسل کننده

آوردن -bring- ۱۳

مراقب -careful- ۱۴

Example:

They are going to be more **careful** about nature.

آن ها قصد دارند از طبیعت مراقبت بیشتری کنند.

تبدیل کردن به -change into- ۱۵

یوزپلنگ -cheetah- ۱۶

Example:

Iranian **cheetah** is an endangered animal. یوزپلنگ ایرانی یک حیوان در معرض انقراض است.

مشترک/ رایج -common- ۱۷

کامل/ کامل کردن -complete- ۱۸

درک -comprehension- ۱۹

در نظر داشتن -consider- ۲۰

کشور -country- ۲۱

بریدن -cut down- ۲۲

cut down + trees بریدن درختان

Example:

Humans **cut down** trees and make homes and roads instead.

انسان ها درختان را قطع می کنند و به جای آن ها خانه و جاده می سازند.

خطر -danger- ۲۳

خراب کردن -destroy- ۲۴

Example:

a. They are **destroying** the jungle. آن ها دارند جنگل را خراب می کنند.

b. Humans **destroy** the natural homes of the animals in the forests, lakes, and plains.

انسان ها زیستگاه های حیوانات را در جنگل ها، دریاچه ها و دشت ها خراب می کنند.

از بین رفتن -die out- ۲۵

Example:

The Persian lion **died out** about ۷۵ years ago. شیر ایرانی حدودا ۷۰ سال پیش از بین رفت.

۲۶- **divide** تقسیم کردن

۲۷- **drought** خشکسالی

۲۸- **dry** خشک

۲۹- **earth** زمین

Example:

We live on **earth**. ما روی کره زمین زندگی می کنیم.

۳۰- **endangered** در معرض انقراض

Endangered + animal حیوان در معرض انقراض

Example:

a. One easy way to protect wildlife is learning about the **endangered** animals.
یک شیوه ی ساده برای نجات حیات وحش دانستن در مورد حیوانات در معرض انقراض است.

۳۱- **enough** کافی

۳۲- **especially (specially)** به ویژه

۳۳- **exercise** تمرین/ ورزش

۳۴- **expression** اصطلاح

۳۵- **farmer** کشاورز

۳۶- **follow** دنبال کردن

۳۷- **forest** جنگل

Example:

a. I went to Golestan **Forest** last year. من سال قبل به جنگل گلستان رفتم.

b. Humans destroy the natural homes of the animals in the **forests**, lakes, and plains.
انسان ها زیستگاه های حیوانات را در جنگل ها، دریاچه ها و دشت ها خراب می کنند.

۳۸- **free** آزاد

۳۹- **future= the time after now** آینده

Example:

a. Everyone needs to plan for the **future**.. هر کس باید برای آینده برنامه ریزی داشته باشد.

b. The number of Iranian cheetah will increase in the **future**.

تعداد یوزپلنگ ایرانی در آینده افزایش پیدا خواهد کرد.

c. Hopefully, people will pay more attention to wildlife in the **future**.

خوشبختانه در آینده مردم توجه بیشتری به حیات وحش خواهند داشت

بز - **goat** - ۴۰

Example:

Goat is a domestic animal. بز یک حیوان اهلی است.

سخت کوش - **hardworking** - ۴۱

شنیدن - **hear** - ۴۲

Example:

I **heard** around ۷۰ of them are alive. من شنیدم حدودا هفتاد یوزپلنگ، زنده هستند.

کمک کننده - **helpful** - ۴۳

امید/ امید داشتن - **hope** - ۴۴

Example:

a. They **hope** to save the injured animal. امید است حیوان زخمی را نجات دهیم.

b. If people take care of Iranian cheetah, there is **hope** for this beautiful animal to live.

اگر مردم از یوزپلنگ ایرانی مراقبت کنند، این امید وجود دارد که این حیوان زیبا زندگی کند/ زنده بماند.

c. They are **hopeful** to see Persian zebra. آن ها امیدوار هستند گورخر ایرانی را ببینند.

خوشبختانه - **hopefully** - ۴۵

Example:

a. **Hopefully**, we **won't lose** any plants and animals and we **will have** enough food in the future.

خوشبختانه ما گیاه و حیوانی را از دست نخواهیم داد و در آینده غذای کافی خواهیم داشت.

b. **Hopefully**, people will pay more attention to wildlife in the future.

خوشبختانه در آینده مردم توجه بیشتری به حیات وحش خواهند داشت.

انسان = **human** - ۴۶

Example:

a. All **humans** must take care of nature. همه انسان ها باید از طبیعت محافظت کنند.

b. All **humans** are going to work together to have a beautiful home.

همه انسان ها قصد دارند با هم کار کنند تا خانه ای زیبا داشته باشند.

شکار کردن - **hunt** - ۴۷

شکار کردن حیوانات **hunt + animals**

شکارچی **hunter**-۴۸

Example:

The **hunters** killed the tiger and destroyed its home.. شکارچیان ببر را کشتند و خانه اش را خراب کردند.

آسیب زدن **hurt**-۴۹

آسیب زدن به حیوانات **hurt + animals**

ایده و نظر **idea**-۵۰

افزایش یافتن **increase**-۵۱

Example:

a. The number of Iranian cheetah will **increase** in the future.

تعداد یوزپلنگ ایرانی در آینده افزایش پیدا خواهد کرد.

b. When the number of people on Earth **increases**, they need more places for living.

وقتی تعداد افراد روی کره زمین افزایش می یابد آن ها به مکان های بیشتری برای زندگی نیاز دارند.

زخمی/ مجروح **injured**-۵۲

حیوان زخمی **injured + animal**

پرنده زخمی **injured + bird**

Example:

They hope to save the **injured** animal. آن ها امیدوار هستند حیوان زخمی را نجات دهند.

در عوض/ به جای **instead= in place of someone or something else**-۵۳

Example:

a. There's no coffee. Would you like a cup of tea **instead**?

کافه موجود نیست. به جای آن یک فنجان چای میل می کنید؟

b. They cut down trees and make homes and roads **instead**.

آن ها درختان را قطع می کنند و به جای آن ها خانه و جاده می سازند.

علاقمند به **interested in**-۵۴

جنگل **jungle**-۵۵

Example:

They are destroying the **jungle**. آن ها دارند جنگل را خراب می کنند.

کشتن **kill**-۵۶

Example:

The hunters **killed** the tiger and destroyed its home.. شکارچیان ببر را کشتند و خانه اش را خراب کردند.

۵۷-lake دریاچه

Example:

a. Humans destroy the natural homes of the animals in the forests, **lakes**, and plains.

انسان ها زیستگاه های حیوانات را در جنگل ها، دریاچه ها و دشت ها خراب می کنند.

b. Gahar **Lake** is famous for its clear water. دریاچه گهر به خاطر آب شفافش معروف است.

۵۸-leave ترک کردن یک محل

۵۹-lifespan طول عمر

۶۰-live longer عمر طولانی تر داشتن

Example:

When you keep nature clean and safe, the animals will **live longer**.

وقتی طبیعت را تمیز و امن نگه دارید حیوانات عمر طولانی تری خواهند داشت.

۶۱-living thing موجود زنده

Example:

We made from water every **living thing**.

ما از آب تمام موجودات زنده را آفریدیم.

۶۲-lose گم کردن/ از دست دادن

Example:

The animals **won't lose** their natural homes and they will live longer.

حیوانات زیستگاه هایشان را از دست نخواهند داد و عمر طولانی تری خواهند داشت.

۶۳-low پایین

۶۴-mean معنا دادن

۶۵-movie فیلم

make + movie ساختن فیلم

۶۶-national ملی

Example:

You can visit a **national** wildlife museum or park.

شما می توانید از پارک یا موزه ملی حیات وحش دیدن کنید

۶۷-nature طبیعت

save + nature نجات دادن طبیعت

protect + nature محافظت کردن از طبیعت

کمک کردن به طبیعت help + nature
خراب کردن طبیعت destroy + nature

Example:

a. Nowadays, many people are taking care of **nature**.

امروزه خیلی از افراد از طبیعت محافظت می کنند.

b. They are going to be more careful about **nature**.

آن ها قصد دارند از طبیعت مراقبت بیشتری کنند.

c. When you keep **nature** clean and safe, the animals will live longer.

وقتی طبیعت را تمیز و امن نگه دارید، حیوانات عمر طولانی تری خواهند داشت.

طبیعی natural-۶۸

زیستگاه natural + home

Example:

a. Tooran is the **natural** home of the Persian zebra. توران زیستگاه طبیعی گورخر ایرانی است.

b. Humans destroy the **natural** homes of the animals in the forests, lakes, and plains.

انسان ها زیستگاه های حیوانات را در جنگل ها، دریاچه ها و دشت ها خراب می کنند.

c. The animals won't lose their **natural** homes and they will live longer.

حیوانات زیستگاه هایشان را از دست نخواهند داد و عمر طولانی تری خواهند داشت.

نزدیک near-۶۹

لازم داشتن/ نیاز need-۷۰

امروزه nowadays-۷۱

Example:

Nowadays, many people are taking care of nature.

امروزه خیلی از افراد از طبیعت محافظت می کنند.

فقط only-۷۲

درد pain-۷۳

الگو pattern-۷۴

توجه کردن به pay attention to-۷۵

Example:

a. Recently, families **pay** more **attention to** nature.. اخیرا خانواده ها توجه بیشتری به طبیعت دارند.

b. Hopefully, people will **pay** more **attention to** wildlife in the future.

خوشبختانه در آینده مردم توجه بیشتری به حیات وحش خواهند داشت.

۷۶-plain دشت

Example:

a. Moghan **Plain** is a nice place in the north-west of Iran.

دشت مغان یک مکان زیبا در شمال غربی ایران است.

b. Humans destroy the natural homes of the animals in the forests, lakes, and **plains**.

انسان ها زیستگاه های حیوانات را در جنگل ها، دریاچه ها و دشت ها خراب می کنند

c. This wild animal lives only in the **plains** of Iran.

این حیوان وحشی فقط در دشت های ایران زندگی می کند.

d. There are lots of beautiful zebras living in this **plain**.

گورخرهای زیبای زیادی در این دشت زندگی می کنند.

۷۷-plan برنامه/تصمیم داشتن

Example:

Everyone needs to plan for the future. هر کس باید برای آینده برنامه ریزی داشته باشد.

۷۸-plant گیاه

۷۹-plural جمع

۸۰-poem شعر

۸۱-proper درست

۸۲-protect= save ,take care of محافظت کردن

protect + wildlife حفاظت از حیات وحش

protect + nature حفاظت از طبیعت

protect + endangered animals حفاظت از حیوانات در معرض انقراض

protect + trees/forests حفاظت کردن از درختان/ جنگل ها

protect + natural homes حفاظت از زیستگاه ها

Example:

a. We are going to **protect** their homes. ما قصد داریم از خانه های آن ها محافظت کنیم.

b. One easy way to **protect** wildlife is learning about the endangered animals.

یک شیوه ی ساده برای نجات حیات وحش دانستن در مورد حیوانات در معرض انقراض است.

۸۳-put out خاموش کردن

put out + fire خاموش کردن آتش

Example:

Firefighters put out fire. آتش نشانها آتش را خاموش کردند.

۸۴-recently اخیراً

Example:

Recently, families pay more attention to nature.. اخیرا خانواده ها توجه بیشتری به طبیعت دارند.

۸۵-relative خویشاوند

Example:

One of our relatives is a zookeeper in Mazandaran. یکی از بستگان ما در مازندران مسئول باغ وحش است.

۸۶-report گزارش

۸۷-right درست

۸۸-road جاده

Example:

Humans cut down trees and make homes and roads instead.

انسان ها درختان را قطع می کنند و به جای آن ها خانه و جاده می سازند.

۸۹-rule قانون

۹۰-safe امن و بی خطر

Example:

When you keep nature clean and safe, the animals will live longer.

وقتی طبیعت را تمیز و امن نگه دارید حیوانات عمر طولانی تری خواهند داشت.

۹۱-save = protect = take care of = نجات دادن خراب کردن destroy

save + nature نجات دادن طبیعت

save + wildlife نجات حیات وحش

۹۲-schedule برنامه

۹۳-simple= easy راحت

a simple way = یک روش راحت

۹۴-singular noun اسم مفرد

plural noun اسم جمع

۹۵-soon به زودی

Example:

They will come to Shiraz soon. آن ها به زودی به شیراز خواهند آمد.

۹۶-stay ماندن

۹۷- **take care of** مراقبت کردن از

take care of + endangered animals مراقبت کردن از حیوانات در معرض انقراض

take care of+ nature مراقبت کردن از طبیعت

Example:

a. We are going to teach people how to **take** more **care of** endangered animals.

ما قصد داریم به مردم آموزش دهیم که چگونه از حیوانات در معرض انقراض مراقبت کنند

b. Nowadays, many people are **taking care of** nature.

امروزه خیلی از افراد از طبیعت محافظت می کنند.

۹۸- **together** با هم

Example:

All humans are going to work **together** to have a beautiful home.

همه انسان ها قصد دارند با هم کار کنند تا خانه ای زیبا داشته باشند.

۹۹- **trip** سفر

۱۰۰- **useful** مفید

۱۰۱- **voluntary** داوطلبانه

do + voluntary + work کار داوطلبانه انجام دادن

Example:

You can do **voluntary** work in these places to protect endangered animals and their natural home.

شما می توانید در این مکان ها کار داوطلبانه انجام دهید تا از حیوانات در معرض انقراض و زیستگاه شان مراقبت کنید.

۱۰۲- **volunteer** داوطلب

۱۰۳- **wild** وحشی

Example:

Leopard is a **wild** animal. پلنگ یک حیوان وحشی است.

۱۰۴- **wildlife** حیات وحش

national + wildlife ملی حیات وحش

Example:

a. You can visit a national **wildlife** museum or park.

شما می توانید از پارک یا موزه ملی حیات وحش دیدن کنید

b. One easy way to protect **wildlife** is learning about the endangered animals.

یک روش ساده برای نجات حیات وحش دانستن در مورد حیوانات در معرض انقراض است.

c. Hopefully, people will pay more attention to **wildlife** in the future.

خوشبختانه در آینده مردم توجه بیشتری به حیات وحش خواهند داشت.

۱۰۵- **wolf** گرگ **wolves** گرگ ها

۱۰۶- **wonderful** شگفت انگیز/ جالب

۱۰۷- **world** جهان

۱۰۸- **zookeeper** مسنول باغ وحش

Example:

One of our relatives is a **zookeeper** in Mazandaran. یکی از بستگان ما در مازندران مسنول باغ وحش است.

Lesson two: Wonders of Creation

۱- **abroad** خارج از کشور

۲- **active = energetic** فعال و پرنرژی

۳- **actually** در واقع

۴- **against** بر علیه

defend + against دفاع کردن در برابر

Example:

White cells are bigger than red cells and defend our body **against** microbes.

گلبول های سفید بزرگ تر از گلبول های قرمز هستند و از بدن در برابر میکروب ها دفاع می کنند.

۵- **alike** شبیه

alike = same

alike # different

different متفاوت

Example:

Planets are really amazing but not so much **alike**.

سیارات واقعا جالب هستند اما زیاد به هم شبیه نیستند.

۶- **amazing** شگفت انگیز

Example:

a. Ants are **amazing** animals. مورچه ها حیواناتی شگفت انگیز هستند.

b. Example: Planets are really **amazing** but not so much alike.

سیارات واقعا جالب هستند اما زیاد به هم شبیه نیستند.

۷-among میان

Example:

Viruses are **among** the smallest microbes on the earth, even smaller than bacteria.
کوچک ترین میکروب های روی زمین ویروس ها هستند، حتی کوچک تر از باکتری ها.

۸-area ناحیه

Example:

Bacteria have only one cell and can live in any **area** of the earth.
باکتری ها تک سلولی هستند و در هر ناحیه ای از زمین زندگی می کنند.

۹-attack حمله کردن

Example:

Viruses usually **attack** your body and make you sick!
ویروس ها معمولاً به بدن شما حمله کرده و شما را مریض می کنند!

۱۰-bacteria باکتری

Example:

a. **Bacteria** and viruses are two important types of microbes.
باکتری ها و ویروس ها دو نوع مهم میکروب هستند.

b. **Bacteria** have only one cell and can live in any area of the earth.
باکتری ها تک سلولی هستند و در هر ناحیه ای از زمین زندگی می کنند.

c. **Viruses** cannot live on their own but **bacteria** can live on their own.
ویروس ها نمی توانند به تنهایی زندگی کنند اما باکتری ها می توانند.

۱۱-blood خون

drop + blood قطره ی خون

Example:

a. One of the most important parts of the body is **blood**.
یکی از مهم ترین قسمت های بدن خون است.

b. There are millions of red blood cells in one small drop of **blood**.
میلیون ها گلبول قرمز در یک قطره خون وجود دارد

۱۲-body بدن

۱۳-brain= it is inside your head and controls your body مغز

۱۴-brave شجاع

۱۵-careless بی دقت

۱۶-carry = to move someone or something from one place to another **جا بجا کردن/ حمل کردن**

carry + blood cells حمل کردن گلبول های خونی

carry + oxygen جا ب جا کردن اکسیژن

Example:

a. Monkeys **carry** their babies all day long. میمون ها تمام طول روز بچه هایشان را حمل می کنند.

b. Plasma **carries** red and white cells.. پلاسما گلبول های سفید و قرمز را جا به جا می کند.

c. Red blood cells carry oxygen round the body and collect carbon dioxide from the body.

گلبول های قرمز اکسیژن به سرتاسر بدن می برند و کربن دی اکسید را از بدن می گیرند

۱۷-carry out = do **انجام دادن**

۱۸-cell **سلول**

living + cell سلول زنده

Example:

Viruses need to be inside a living **cell** to live and grow.

ویروس ها باید درون یک سلول زنده قرار بگیرند تا رشد کنند.

۱۹-cheap **ارزان**

Example:

Bus is **cheaper** than airplane. اتوبوس ارزان تر از هواپیما است.

۲۰-choose **انتخاب کردن**

۲۱-clear **شفاف**

Example:

a. Gahar Lake is famous for its **clear** water.. دریاچه گهر به خاطر آب شفافش معروف است.

b. Plasma is a **clear** and yellow liquid. پلاسما یک مایع زردرنگ و شفاف است.

۲۲-collect = to go and get someone or something **جمع آوری کردن**

Example:

a. The school bus **collects** the children each morning. اتوبوس مدرسه هر صبح بچه ها را جمع می کند.

b. Red blood cells carry oxygen round the body and **collect** carbon dioxide from the body.

گلبول های قرمز اکسیژن به سرتاسر بدن می برند و کربن دی اکسید را از بدن می گیرند

۲۳-create **خلق کردن**

۲۴-creation **خلفت**

Example:

a. And of Allah's Signs of Power is the **creation** of the heavens and the Earth.

و از نشانه های قدرت خداوند آفرینش آسمان ها و زمین است.

روزانه daily-۲۵

انجام ورزش روزانه **doing + daily + exercise**

Example:

a. Doing **daily** exercise is useful for everyone. . انجام ورزش روزانه برای همه مفید است .

b. Doing **daily** exercise keeps us healthy and alive. . انجام ورزش روزانه ما را سالم و زنده نگه می دارد .

خطرناک dangerous-۲۶

Example:

Lions are the most **dangerous** animals on the world.

شیرها خطرناک ترین حیوانات در جهان هستند.

تاریک dark-۲۷

عمیق deep-۲۸

دفاع کردن defend = to protect someone or something from danger-۲۹

Example:

a. The brave soldiers **defended** our country. . سربازان شجاع از کشورمان دفاع کردند .

b. White cells are bigger than red cells and **defend** our body **against** microbes.

گلبول های سفید بزرگ تر از گلبول های قرمز هستند و از بدن در برابر میکروب ها دفاع می کنند.

دفاع defense-۳۰

تعریف definition-۳۱

خوشمزه delicious-۳۲

توصیف کردن describe-۳۳

جزئیات detail-۳۴

مختلف different-۳۵

Example:

Planets go around the Sun in **different** orbits.. سیارات در مدارهای مختلفی به دور خورشید می چرخند.

بیماری disease-۳۶

Example:

Some microbes make you sick but most others keep you healthy and even help you to fight **diseases**.

برخی میکروب ها شما را مریض می کند اما اکثر آن ها شما را سالم نگه می دارند و حتی کمک می کنند با بیماری ها مبارزه کنید.

۳۷- donate کردن اهداء

donate + blood اهداء خون

۳۸- drop قطره

drop + paint/ blood قطره رنگ/ خون

Example:

a. There are some **drops** of paint on his shirt. چند قطره رنگ روی پیراهن او وجود دارد.

b. There are millions of red blood cells in one small **drop** of blood.

میلیون ها گلبول قرمز در یک قطره خون وجود دارد.

c. There are thousands of white cells in a **drop** of blood.

هزاران گلبول سفید در یک قطره خون وجود دارد.

۳۹- Earth: زمین

Example:

a. And of Allah's Signs of Power is the creation of the heavens and the **Earth**.

و از نشانه های قدرت خداوند آفرینش آسمان ها و زمین است.

۴۰- element عنصر

۴۱- enough کافی

Example:

The brain gives **enough** energy to light a small lamp.

مغز انرژی کافی برای روشن کردن یک لامپ کوچک را می دهد

۴۲- exercise ورزش

Example:

a. Doing daily **exercise** is useful for everyone. انجام ورزش روزانه برای همه مفید است.

b. Doing daily **exercise** keeps us healthy and alive. انجام ورزش روزانه ما را سالم و زنده نگه می دارد.

۴۳- extra اضافی

۴۴- fact = things that are true or that really happened حقیقت

Example:

a. It's a **fact** that Earth goes around the Sun. این یک حقیقت است که زمین به دور خورشید می چرخد.

دورترین **farthest** دورتر **farther** دور **far**-۴۵

سریع/ به سرعت **fast**-۴۶

مبارزه کردن **fight**-۴۷

Example:

Some microbes make you sick but most others keep you healthy and even help you to **fight** disease.

برخی میکروب ها شما را مریض می کند اما اکثر آن ها شما را سالم نگه می دارند و حتی کمک می کنند با بیماری ها مبارزه کنید.

تازه **fresh**-۴۸

جالب **funny**-۴۹

هدیه **gift**-۵۰

Example:

This wonderful liquid (blood) is a great **gift** from Allah.

این مایع شگفت انگیز (خون) یک نعمت الهی است.

طلایی **golden**-۵۱

چرخیدن **go round**-۵۲

Example:

a. Planets **go around** the Sun in different orbits. سیارات در مدارهای مختلفی به دور خورشید می چرخند.

b. The Hubble telescope **goes around** Earth every ۹۷ minutes.

تلسکوپ هابل هر ۹۷ دقیقه یک بار به دور زمین می چرخد.

اتفاق افتادن **happen**-۵۳

مفید برای بدن **good for body**-۲ قوی و سر حال **strong and well**-۱ **healthy**-۵۴

keep + healthy سالم نگه داشتن

healthy + food غذای سالم

Example:

a. He is a **healthy** boy. او یک پسر قوی و سالم هست.

b. A **healthy** breakfast can give you more energy. یک صبحانه سالم به شما انرژی بیشتری می دهد.

c. Doing daily exercise keeps us **healthy** and alive. انجام ورزش روزانه ما را سالم و زنده نگه می دارد.

d. We can thank Allah by keeping our body **healthy** and eating **healthy** food.
ما می توانیم با سالم نگه داشتن بدن خود و خوردن غذای سالم از آفریدگارمان سپاسگزاری کنیم.

۵۵- قلب heart

Example:

a. The **heart** pumps this red liquid around the body. قلب این مایع سرخ رنگ را به سرتاسر بدن پمپ می کند.

b. The **heart** pumps blood around the body. قلب خون را به سرتاسر بدن پمپ می کند.

۵۶- سنگین heavy

Example:

Elephants are the **heaviest** animals on earth. فیل ها سنگین ترین حیوانات روی زمین هستند.

۵۷- بهشت/ آسمان heaven

Example:

a. And of Allah's Signs of Power is the creation of the **heavens** and the Earth.

و از نشانه های قدرت خداوند آفرینش آسمان ها و زمین است.

۵۸- نکته hint

۵۹- مهم important

Example:

One of the most **important** parts of the body is blood.

یکی از مهم ترین قسمت های بدن خون است.

۶۰- درون inside

Example:

a. Microbes live all around you, on you and **inside** you.

میکروب ها همه جای بدن شما، روی بدن شما و درون بدن شما زندگی می کنند.

b. Viruses need to be **inside** a living cell to live and grow.

ویروس ها باید درون یک سلول زنده قرار بگیرند تا رشد کنند.

۶۱- علاقمند کردن interest

۶۲- علاقمند به interested in

Example:

I'm very **interested in** planets. من به سیارات خیلی علاقمند هستم.

۶۳- جالب interesting = amazing = wonderful

Example:

Planets are really interesting for me. سیارات برای من خیلی جالب هستند.

سیاره مشتری Jupiter - ۶۴

Example:

Jupiter is the largest planet in solar system. مشتری بزرگ ترین سیاره در منظومه شمسی است.

نگه داشتن keep - ۶۵

keep + clean تمیز نگه داشتن

keep + healthy سالم نگه داشتن

keep = strong قوی نگه داشتن

Example:

Doing daily exercise **keeps** us strong and healthy. انجام ورزش روزانه ما را قوی و سالم نگه می دارد.

مهربان/ نوع kind - ۶۶

زمین land - ۶۷

خندیدن laugh - ۶۸

نور light - ۶۹

مایع liquid - ۷۰

Example:

a. Water is a type of **liquid**. آب نوعی مایع است.

b. The heart pumps this red **liquid** around the body.

قلب این مایع سرخ رنگ را به سرتاسر بدن پمپاژ می کند

c. Plasma is a clear and yellow **liquid**. پلاسما یک مایع زردرنگ و شفاف است.

d. This wonderful liquid (blood) is a great **gift** from Allah.

این مایع شگفت انگیز (خون) یک نعمت الهی است.

مواد material - ۷۱

مریخ Mars - ۷۲

Example:

Mars is a rocky planet. (جنس آن از سنگ است.) مریخ یک سیاره ی صخره ای است.

متوسط medium - ۷۳

جدید modern - ۷۴

۷۵- **nation** ملت

۷۶- **nationality** ملیت

۷۷- **near** نزدیک

۷۸- **neat** مرتب و منظم

۷۹- **neighbor** همسایه

۸۰- **observatory**= a place from which people can watch the planets and stars رصدخانه

۸۱- **opinion** نظر

۸۲- **orbit** مدار / چرخیدن

Example:

planets go around the Sun in different orbits. سیارات در مدارهای مختلفی به دور خورشید می چرخند.

۸۳- **paint** رنگ

drop of + paint قطره رنگ

Example:

There are some **drops** of paint on his shirt. چند قطره رنگ روی پیراهن او وجود دارد.

۸۴- **planet**= a large and round body of rock or gas that moves around the Sun سیاره

Example:

a. **Planets** are really amazing but not so much alike.

سیارات واقعا جالب هستند اما زیاد به هم شبیه نیستند.

b. **Planets** go around the Sun. سیارات به دور خورشید می چرخند.

۸۵- **plasma** = the yellow liquid that carries the blood cells پلاسما

Example:

a. More than half of blood is **plasma**. بیش از نیمی از خون پلاسما است.

b. **Plasma** is a clear and yellow liquid. پلاسما یک مایع زردرنگ و شفاف است.

c. **Plasma** carries red and white cells. پلاسما گلبول های سفید و قرمز را جا به جا می کند.

۸۶- **power** قدرت

Example:

a. And of Allah's Signs of **Power** is the creation of the heavens and the Earth.

۸۷- **powerful** قدرتمند

Example:

a. We can see Uranus and Neptune only with **powerful** telescopes.
ما می توانیم اورانوس و نپتون رو فقط با تلسکوپ های قوی ببینیم.

۸۸- **pump** پمپ کردن

pump + blood پمپاژ کردن خون

Example:

a. The heart **pumps** blood round the body. قلب خون را به همه جای بدن پمپاژ می کند.

b. The heart **pumps** this red liquid around the body. قلب این مایع سرخ رنگ را به سرتاسر بدن پمپ می کند.

۸۹- **quality** کیفیت

۹۰- **quantity** کمیت

۹۱- **real** واقعی

Example:

a. The human body is a **real** wonder. بدن انسان یک شگفتی واقعی است.

b. This is a **real** gun. این یک تفنگ واقعی است.

۹۲- **ring** حلقه/ هاله

Example:

Some planets have **rings** like Saturn. برخی سیارات مانند زحل هاله دارند.

۹۳- **rocky** صخره ای

Example:

Some planets are **rocky** like Mars. برخی سیارات مانند مریخ سنگی هستند.

۹۴- **Saturn** زحل

Example:

Some planets have rings like **Saturn**. برخی سیارات مانند زحل هاله دارند.

۹۵- **sign** علامت/ نشانه

Example:

a. And of Allah's **Signs** of Power is the creation of the heavens and the Earth.
و از نشانه های قدرت خداوند آفرینش آسمان ها و زمین است.

۹۶- **silver** نقره

۹۷- solar system منظومه شمسی

Example:

Jupiter is the largest planet in solar system. مشتری بزرگ ترین سیاره در منظومه شمسی است.

۹۸-still هنوز

۹۹-strange عجیب

۱۰۰-suitable مناسب

۱۰۱-sunrise طلوع خورشید

۱۰۲-sunset غروب خورشید

۱۰۳-sure مطمئن

۱۰۴-telescope = it uses lenses to make very small things look larger تلسکوپ

Example:

a. The Hubble telescope goes around Earth every ۹۷ minutes.

تلسکوپ هابل هر ۹۷ دقیقه یک بار به دور زمین می چرخد.

b. we can see the planets nearer to us without a telescope.

ما می توانیم سیاراتی که نزدیک تر هستند را بدون تلسکوپ ببینیم.

۱۰۵-type نوع

Example:

a. There are many different types of microbes. انواع مختلفی میکروب وجود دارد.

b. Bacteria and viruses are two important types of microbes.

باکتری ها و ویروس ها دو نوع مهم میکروب هستند.

۱۰۶-ugly زشت

۱۰۷-useful مفید

Example:

Doing daily exercise is useful for everyone. انجام ورزش روزانه برای همه مفید است.

۱۰۸-virus ویروس

Example:

a. **Viruses** are among the smallest microbes on the earth, even smaller than bacteria.

کوچک ترین میکروب های روی زمین ویروس ها هستند، حتی کوچک تر از باکتری ها.

b. **Viruses** cannot live on their own but bacteria can live on their own.

ویروس ها نمی توانند به تنهایی زندگی کنند اما باکتری ها می توانند.

c. **Viruses** need to be inside a living cell to live and grow.

ویروس ها باید درون یک سلول زنده قرار بگیرند تا رشد کنند.

d. **Viruses** usually attack your body and make you sick!

ویروس ها معمولاً به بدن شما حمله کرده و شما را مریض می کنند!

۱۰۹- جنگ war

۱۱۰- بدون without

Example:

a. Camels can live **without** water for a long time. شترها می توانند تا مدت طولانی بدون آب زندگی کنند.

b. we can see the planets nearer to us **without** a telescope, such as Mercury, Venus, Mars, Jupiter and Saturn.

ما می توانیم سیاراتی مانند عطارد، ونوس، مریخ، مشتری و زحل را که نزدیک تر هستند بدون تلسکوپ ببینیم.

۱۱۱- فکر کردن با خود wonder

Example:

The human body is a real **wonder**. بدن انسان یک شگفتی واقعی است.

۱۱۲- شگفت انگیز wonderful

Example:

a. Our body is a **wonderful** system. بدن ما یک سیستم شگفت انگیز است.

b. This **wonderful** liquid is a great gift from Allah. این مایع شگفت انگیز یک نعمت الهی است.

c. Microbes are really **wonderful**. میکروب ها خیلی شگفت انگیز هستند.

۱۱۳- چوبی wooden

۱۱۴- نگران بودن worry

Lesson three: The Value of Knowledge

۱- action verb فعل کنشی state verb = non-action verb فعل غیر کنشی

۲- age سن/ دوره

۳- هواپیما **airplane**

۴- تنها **alone**

۵- شرمنده/ خجالت زده **ashamed**

۶- فوراً **at once**

۷- شرکت کردن **attend**

شرکت کردن در مدرسه/ جلسه/ یک مصاحبه **attend + school/ meeting/ an interview**

Example:

Edison did not **attend** school because he lost his hearing.

ادیسون به خاطر از دست دادن شنوایی اش به مدرسه نرفت.

۸- پیش زمینه **background**

۹- رفتار کردن **behave**

Example:

Some scientists study people and how they **behave** and learn.

برخی دانشمندان در مورد شیوه رفتار افراد و یادگیری آن ها مطالعه می کنند.

۱۰- باور **belief = something that you believe**

Example:

a. Her **belief** in Allah gave her hope during difficult times. ایمانش به خداوند در شرایط سخت به او امید می داد.

b. The key to scientists' success is their hard work and **belief** in themselves.

کلید اصلی موفقیت دانشمندان سخت کوشی و باور داشتن خودشان است.

۱۱- باور داشتن **believe**

Example:

a. At first I had the same idea, **believe** me! ابتدا من هم همین عقیده را داشتم باور کن!

b. Do you **believe** what she was saying about Mars? چیزی که او در مورد مریخ می گوید را باور داری؟

۱۲- ساختن **build**

Example:

Nasireddin Toosi **built** Maragheh Observatory when he was studying the planets.

نصیرالدین طوسی وقتی داشت روی سیارات مطالعه می کرد رصدخانه مراغه را ساخت.

۱۳- لامپ **bulb**

Example:

او لامپ را عوض کرد تا اتاق نور بیشتری داشته باشد. He changed the **bulb** to have more light in the room.

تغییر دادن / عوض کردن -change- ۱۴

Example:

a. He changed the **bulb** to have more light in the room.

او لامپ را عوض کرد تا اتاق نور بیشتری داشته باشد

b. When children grow up their personality changes. بچه ها وقتی بزرگ می شوند شخصیتشان تغییر می کند.

کف زدن / دست زدن -clap- ۱۵

ردیف -column- ۱۶

گهواره -cradle- ۱۷

Example:

Seek knowledge from the **cradle** to the grave. ز گهواره تا گور دانش بجوی.

عزیز -dear- ۱۸

توصیف -description- ۱۹

افزایش یافتن/گسترش -develop = to grow or change into a stronger, larger or better form- ۲۰ یافتن

Example:

a. This book can **develop** your speaking skill.. این کتاب می تواند مهارت گفتاری شما را افزایش دهد.

b. Human knowledge **develops** with scientists' hard work. دانش بشر با تلاش زیاد دانشمندان افزایش می یابد.

دستگاه -device- ۲۱

در طول -during- ۲۲

Example:

Her belief in Allah gave her hope **during** difficult times.

ایمانش به خداوند در شرایط سخت به او امید می داد

احساسات -emotion- ۲۳

فعال و پرانرژی -energetic = active- ۲۴

Example:

Babak is an **energetic** boy. بابک یک پسر پرانرژی است.

آزمایش -experiment- ۲۵

انجام دادن آزمایش **do + experiment**

Example:

a. The students **do experiments** in the school laboratory.

دانش آموزان در آزمایشگاه مدرسه آزمایش انجام می دهند

b. Edison was famous for doing thousands of **experiments** to find answers to problems.

ادیسون به خاطر هزاران آزمایش برای یافتن جوابی برای مسائل معروف بود.

c. Scientists learn about the world by observing and **experimenting**.

دانشمندان با مشاهده و آزمایش درباره جهان آگاهی کسب می کنند.

۲۶- بیان کردن express

۲۷- صورت/روبرو شدن face

Example:

Many people around the world may remember scientists' names and **faces**.

خیلی از افراد در سرتاسر دنیا ممکن است نام و چهره ی دانشمندان را به خاطر بیاورند.

۲۸- حقیقت fact= something which is true

find + fact یافتن حقیقت

۲۹- دور far

۳۰- حس (ضعف) کردن feel (weak)

Example:

a. He has the flu and **feels** weak. اون آنفلوآنزا گرفته و احساس ضعف می کند.

b. They **feel** successful when they solve problems and find answers to their questions.

آن ها (دانشمندان) زمانی که مسائل را حل می کردند و پاسخی برای سوالاتشان می یافتند، احساس موفقیت داشتند

۳۱- آنفلوآنزا flu

Example:

The **flu** is getting around. آنفلوآنزا در حال شیوع است.

۳۲- خوشبختانه fortunately = hopefully = luckily

۳۳- به دست آوردن gain

۳۴- شیوع پیدا کردن get around

Example:

The flu is **getting around**. آنفلوآنزا در حال شیوع پیدا کردن است.

دست کشیدن / تسلیم شدن / ترک کردن - give up = quit = to stop doing something - ۳۵

Example:

a. Fortunately, his father is going to **quit** smoking. خوشبختانه پدرش قصد دارد سیگار را ترک کند.

b. He **gave up** his work without saying anything to us.

او از کارش دست کشید بدون این که به ما چیزی بگوید

گور - grave - ۳۶

Example:

Seek knowledge from the cradle to the **grave**. ز گهواره تا گور دانش بجوی

بزرگ شدن - grow up - ۳۷

Example:

a. Children **grow up** rapidly. بچه ها سریع بزرگ می شوند.

b. When children grow up their personality changes. بچه ها وقتی بزرگ می شوند شخصیتشان تغییر می کند.

اتفاق افتادن - happen - ۳۸

شنوایی - hearing - ۳۹

Example:

Sadly, young Edison lost his **hearing** at the age of ۱۲.

متأسفانه ادیسون در سن ۱۲ سالگی شنوایی خود را از دست داد.

به شدت - heavily - ۴۰

تاریخ - history - ۴۱

Example:

Some scientists like to study **history** or languages. برخی دانشمندان به مطالعه تاریخ و زبان علاقه دارند.

ضربه زدن - hit - ۴۲

مقدس - holy - ۴۳

ایده و نظر - idea - ۴۴

same idea عقیده مشابه

Example:

At first I had the same idea, believe me! ابتدا من هم همین عقیده را داشتم باور کن!

زخمی - injured - ۴۵

حشره - insect - ۴۶

مصاحبه **interview**-۴۷

شرکت در مصاحبه **attend +an interview**

اختراع کردن **invent**- ۴۸

Example:

Edison **invented** the first light bulb. ادیسون لامپ را اختراع کرد.

اختراع **invention**- ۴۹

Example:

The airplane is one of the greatest **inventions** of human. هواپیما بزرگترین اختراع بشر است.

کلید **key**-۵۰

Example:

The **key** to scientists' success is their hard work and belief in themselves.

کلید اصلی موفقیت دانشمندان سخت کوشی و باور داشتن خودشان است.

کشتن **kill**-۵۱

دانش **knowledge**-۵۲

Example:

a. Seek **knowledge** from the cradle to the grave. ز گهواره تا گور دانش بجوی.

b. Human **knowledge** develops with scientists' hard work.

دانش بشر با تلاش زیاد دانشمندان افزایش می یابد

آزمایشگاه **laboratory**-۵۳

Example:

The students do experiments in the school **laboratory**.

دانش آموزان در آزمایشگاه مدرسه آزمایش انجام می دهند

ترک کردن **leave**-۵۴

از دست دادن **lose**- ۵۵

از دست دادن شنوایی **lose + hearing**

Example:

a. Sadly, young Edison **lost** his hearing at the age of ۱۲.

متأسفانه ادیسون در سن ۱۲ سالگی شنوایی خود را از دست داد.

b. he never **lost** his interest in making things. او هرگز علاقه اش به اختراع چیزها را از دست نداد.

وعده غذایی **meal**-۵۶

۵۷- **medicine** دارو/ پزشکی

Example:

a. Razi taught **medicine** to many young people while he was working in Ray Hospital.
رازی وقتی مشغول به کار در بیمارستان ری بود، پزشکی را به جوانان می آموخت.

b. He was trying to find a new **medicine** to save people's lives.
او در حال یافتن دارویی بود که زندگی افراد را نجات دهد.

c. He found a new **medicine** when he was working on antibiotics.
او وقتی داشت روی آنتی بیوتیک ها کار می کرد داروی جدیدی را کشف کرد.

۵۸- **memory** حافظه

۵۹- **modern** جدید

modern + buildings ساختمان های مدرن

۶۰- **negative** منفی

۶۱- **noise** سر و صدا

۶۲- **novel** داستان

۶۳- **observe** مشاهده کردن

Example:

Scientists learn about the world by **observing** and experimenting.
دانشمندان با مشاهده و آزمایش درباره جهان آگاهی کسب می کنند.

۶۴- **observatory= a place in which we can see stars and planets** رصدخانه

Example:

Nasireddin Toosi built Maragheh **Observatory** when he was studying the planets.
نصیرالدین طوسی وقتی داشت روی سیارات مطالعه می کرد رصدخانه مراغه را ساخت.

۶۵- **pain** درد

۶۶- **pass away** در گذشتن

Example:

Tahereh Saffarzadeh **passed away** in ۱۳۸۷. درگذشت. ۱۳۸۷ سال در گذشت.

۶۷- **patient** بیمار/ صبور

۶۸- **peace** آرامش

۶۹- **poem** شعر

۷۰- **poet** شاعر

۷۱- **possible** ممکن

Example:

No success is **possible** without hard work. هیچ موفقیتی بدون سخت کوشی امکان پذیر نیست.

۷۲- **prepare** آماده کردن

۷۳- **prophet** پیامبر

۷۴- **publish** چاپ کردن

publish + book چاپ کردن کتاب

Example:

Tahereh Saffarzadeh **published** her first book while she was still studying in the university.
طاهره صفارزاده هنگامی که مشغول تحصیل در دانشگاه بود اولین کتاب خود را چاپ کرد.

۷۵- **put aside** کنار گذاشتن

Example:

Sajjad **put** his camera **aside** and asked people to leave.
سجاد دوربینش را کنار گذاشت و از افراد خواست آن جا را ترک کنند.

۷۶- **quit = give up = to stop doing something** دست کشیدن / تسلیم شدن / ترک کردن

Example:

a. Fortunately, his father is going to **quit** smoking. خوشبختانه پدرش قصد دارد سیگار را ترک کند.

b. He **gave up** his work without saying anything to us.

او از کارش دست کشید بدون این که به ما چیزی بگوید.

۷۷- **rapidly** به سرعت

Example:

Children grow up **rapidly**. بچه ها سریع بزرگ می شوند.

۷۸- **refinery** پالایشگاه

۷۹- **relate** مربوط بودن

۸۰- **remember** به خاطر آوردن

تحقیق research-۸۱

انجام دادن تحقیق do + research

محقق researcher-۸۲

Example:

الکی اند فلمینگ یک محقق معروف بود. Alexander Fleming was a great researcher.

احترام گذاشتن respect-۸۳

متاسفانه sadly-۸۴

Example:

Sadly, young Edison lost his hearing at the age of ۱۲.

متاسفانه ادیسون در سن ۱۲ سالگی شنوایی خود را از دست داد.

علم science-۸۵

Example:

ادیسون خیلی به علم علاقمند بود. Edison was very interested in science.

دانشمند scientist = a person who does research and finds facts-۸۶

famous Iranian scientists دانشمندان معروف ایرانی

Example:

دانش بشر با تلاش زیاد دانشمندان افزایش می یابد. Human knowledge develops with scientists' hard work.

جستجو کردن seek= search-۸۷

Example:

Seek knowledge from the cradle to the grave. ز گهواره تا گور دانش بجوی.

موقعیت situation-۸۸

مهارت skill-۸۹

سیگار کشیدن smoking-۹۰

حل کردن مسأله solve= to find an answer to a problem-۹۱

solve + problem حل کردن مسأله

Example:

ما می توانیم به شما کمک کنیم مسائلتان را حل کنید. We can help you solve your problems.

مخصوص special-۹۲

حالت state-۹۳

۹۴- قوی **strong**

۹۵- موفقیت **success**

Example:

a. No **success** is possible without hard work. هیچ موفقیتی بدون سخت کوشی امکان پذیر نیست.

b. The key to scientists' **success** is their hard work and belief in themselves.

کلید اصلی موفقیت دانشمندان سخت کوشی و باور داشتن خودشان است.

۹۶- موفق **successful**

Example:

Some scientists are very **successful** in their lives. برخی دانشمندان خیلی در زندگی موفق هستند.

۹۷- ناگهان **suddenly**

۹۸- فکر کردن **think**

۹۹- متفکر **thinker**

Example:

Tahereh Saffarzadeh was a writer, **thinker** and also a **translator**.

طاهره صفارزاده یک نویسنده، متفکر و همچنین یک مترجم بود.

۱۰۰- thousands of= a large number of things or people

Example :

a. There are **thousands of** things I want to do. هزاران کار وجود دارد که من می خواهم انجام دهم.

b. Edison was famous for doing **thousands of** experiments to find answers to problems.

ادیسون به خاطر هزاران آزمایش برای یافتن جوابی برای مسائل معروف بود.

۱۰۱- ترجمه کردن **translate**

translate + poem ترجمه کردن شعر

۱۰۲- مترجم **translator**

Example:

Tahereh Saffarzadeh was a writer, thinker and also a **translator**.

طاهره صفارزاده یک نویسنده، متفکر و همچنین یک مترجم بود.

۱۰۳- سعی کردن **try**

Example:

Melika **tries** hard to learn English. ملیکا سخت تلاش می کند که انگلیسی یاد بگیرد.

۱۰۴- دانشگاه **university**

ارزش value-۱۰۵

ضعیف weak-۱۰۶

Example:

a. He has the flu and feels weak. اون آنفلوآنزا گرفته و احساس ضعف می کند.

b. Scientists never felt weak when they were studying.

دانشمندان هرگز احساس ضعف بودن نمی کردند هنگامی که در حال مطالعه بودند

منتظر ماندن wait-۱۰۷

Lesson four: Traveling the World

خارج از کشور abroad-۱

travel + abroad سفر به خارج از کشور

go + abroad رفتن به خارج از کشور

Example:

a. Everyone needs a passport to travel abroad. همه برای سفر به خارج از کشور به پاسپورت نیاز دارند.

b. c. International tourists travel abroad. توریست های بین المللی به خارج از کشور سفر می کنند.

فعالیت activity-۲

a range of + activities یک سری از فعالیت ها

آژانس agency-۳

travel + agency آژانس مسافرتی

Example:

We can ask a travel agency to book a hotel for us.

ما می توانیم از یک آژانس مسافرتی بخواهیم که یک هتل برایمان رزرو کند.

فرودگاه airport-۴

international + airport فرودگاه بین المللی

Example:

Mehrabad is one of the first international airports of Iran.

مهرآباد یکی از اولین فرودگاه های بین المللی ایران است.

قدیمی / باستانی ancient-۵

ancient + wind towers برج های بادی باستانی

ancient + history تاریخ باستانی

Example:

a. Ancient wind towers of Iran are attractive to tourists.

جزوه جامع واژگان زبان انگلیسی پایه دهم گردآورنده: لیلا تقی زاده گروه آموزشی زبان انگلیسی استان فارس، شهرستان مرودشت
برج های بادی قدیمی ایران برای جهانگردان خیلی جالب و دیدنی هستند.

b. Brazil is famous for its **ancient** history and amazing nature.
برزیل به خاطر تاریخ باستانی و طبیعت شگفت انگیزش معروف است.

۶- **at least** حداقل

۷- **attract** جذب کردن

Example:

a. Some countries **attract** a lot of tourists every year.
برخی کشورها هر ساله توریست های زیادی جذب می کنند.

b. Amazing nature of Iran **attracts** many tourists.
طبیعت شگفت انگیز ایران توریست های زیادی را جذب می کند.

۸- **attraction** جذب / جاذبه

tourist + attractions جاذبه های گردشگری

Example:

a. Asia has many tourist **attractions**.
آسیا جاذبه های گردشگری زیادی دارد.

b. Each year, many people from all parts of the world visit Iran's **attractions**.
هر ساله خیلی از افراد سرتاسر جهان از جاذبه های ایران دیدن می کنند.

۹- **attractive = interesting** جالب و دیدنی

Example:

Ancient wind towers of Iran are **attractive** to tourists.
برج های بادی قدیمی ایران برای جهانگردان خیلی جالب و دیدنی هستند.

۱۰- **behavior** رفتار

Example:

a. We should be careful about our **behavior** in a foreign country.
ما باید مراقب رفتار خود در یک کشور خارجی باشیم.

b. Our good **behavior** can give a good image of our country to other people.
رفتار خوب ما تصویر خوبی از کشورمان به دیگر افراد می دهد.

۱۱- **billion** میلیارد

Example:

Around one **billion** people live in India.
حدودا یک میلیارد نفر در هندوستان زندگی می کنند.

۱۲- **book** رزرو کردن

۱۳- **booklet** کتابچه راهنما

چک کردن کتابچه راهنما **check + booklet**
کتابچه راهنما و اطلاعات **information + booklet**
خواندن کتابچه راهنما **read + booklet**

Example:

Take this information booklet and study it carefully.
این کتابچه راهنما را بگیرید و آن را با دقت مطالعه کنید.

۱۴- **brave** شجاع

۱۵- **bravely** شجاعانه

۱۶- **ceremony** جشن و مناسبت

۱۷- **cheap** ارزان

۱۸- **check in** وارد (هتل یا فرودگاه) شدن

۱۹- **choice** انتخاب / گزینه

بهترین گزینه **best + choice**
گزینه مناسب **suitable + choice**
چندین گزینه **some + choices**
گزینه داشتن **have + choice**

Example:

a. You may have some **choices**.
شما احتمالاً چند گزینه برای انتخاب دارید.

b. Probably Iran is the best **choice**.
احتمالاً ایران بهترین گزینه است.

۲۰- **choose** انتخاب کردن

۲۱- **comfortable** راحت

۲۲- **continent** قاره

۲۳- **contrast** تضاد

۲۴- **creation** آفریده / مخلوق

خلق کردن مخلوق **make + creation**

Example:

Travel in the Earth and see how He makes the first creation

فرهنگ **۲۵-culture= the way of life, especially the beliefs and behavior of a group of people**

Example:

a. Alice is studying Persian language and **culture**. آلیس در حال مطالعه زبان و فرهنگ ایرانی است.

b. Tourism is traveling for entertainment, health, sport or learning about the **culture** of a nation. گردشگری سفر به منظور سرگرمی، سلامتی، ورزش و کسب آگاهی در مورد فرهنگ یک ملت است

c. We should respect the languages and **culture** of other countries. ما باید به زبان و فرهنگ کشورهای دیگر احترام بگذاریم.

بیابان **۲۶-desert**

hot and dry + desert بیابان گرم و خشک

desert + touring تور بیابانی

Example:

a. Camels can travel across hot and dry **deserts** with little food and water. شترها می توانند در بیابان های گرم و خشک با آب و غذای خیلی کم سفر کنند.

b. Tourists can find a range of activities from skiing to **desert** touring in Iran. توریست ها می توانند طیفی از فعالیت ها از اسکی بازی گرفته تا تور بیابانی را در ایران ببینند.

دسر/ پیش غذا **۲۷-dessert**

مقصد **۲۸-destination**

check + destination چک کردن مقصد

popular/ great + destination مقصد معروف

Example:

a. I am not sure about my **destination**. Do you have any suggestion? من در مورد مقصد مطمئن نیستم/ چیزی نمی دانم. هیچ پیشنهادی دارید؟

b. In fact, the Taj Mahal is a popular **destination**. در واقع تاج محل یک مقصد معروف (در هندوستان) است.

c. Iran is a great **destination** for tourists

d. People should also become familiar with their **destination** before their trip. افراد قبل از سفر باید با مقصدشان آشنا شوند.

داخلی **۲۹-domestic = relating to one country**

domestic + flight پرواز داخلی **domestic + tourist** توریست داخلی

Example:

a. **Domestic** flights are cheaper than international flights.

پروازهای داخلی ارزان تر از پروازهای خارجی هستند.

b. Tourism can be **domestic** or international. جهانگردی می تواند داخلی یا خارجی باشد.

c. **Domestic** tourists travel to different parts of their own country.

توریست های داخلی به قسمت های مختلف کشورشان سفر می کنند.

داخلی متضاد بین المللی است domestic is the opposite of international

۳۰-embassy سفارت

Example:

People should go to the **embassy** of foreign countries to get visas.

مردم برای گرفتن ویزا باید به سفارت کشورهای خارجی بروند.

۳۱-enjoy لذت بردن از

۳۲-entertainment= activities that people enjoy سرگرمی

Example:

a. He plays the piano only for his **entertainment**. او پیانو رو صرفا برای سرگرمی می نوازد.

b. Tourism is traveling for **entertainment**, health, sport or learning about the culture of a nation. گردشگری سفر به منظور سرگرمی، سلامتی، ورزش و کسب آگاهی در مورد فرهنگ یک ملت است.

۳۳-experience تجربه

Example:

Every travel can be a great **experience** for us. هر سفری می تواند تجربه ای بزرگ برای ما باشد.

۳۴-get/ become familiar with آشنا شدن با

Example:

People should also **become familiar with** their destination before their trip.

افراد قبل از سفر باید با مقصدشان آشنا شوند.

۳۵-flight پرواز

domestic + flight پرواز داخلی **international + flight** پرواز خارجی

۳۶-foreign خارجی

foreign + language زبان خارجی **foreign + country** کشور خارجی

۳۷-forget فراموش کردن **remember به خاطر آوردن**

۳۸-form شکل/ تشکیل دادن

بخشنامه generous-۳۹

میزبان host میهمان guest-۴۰

سالم healthy-۴۱

keep + healthy سالم نگه داشتن

Example:

- a. Good food keeps you **healthy** and happy. غذای خوب شما را سالم و شاد نگه می دارد.
b. Junk food doesn't keep you **healthy** and happy. غذای هله هوله شما را سالم و شاد نگه نمی دارد.

تاریخ history-۴۲

Example:

- a. Brazil is famous for its ancient **history** and amazing nature.
برزیل به خاطر تاریخ باستانی و طبیعت شگفت انگیزش معروف است

تاریخی historical-۴۳

historical + sites/ places مکان های تاریخی

Example:

- a. Isfahan has many **historical** sites.
اصفهان مکان های تاریخی زیادی دارد.
b. Iran has many **historical** sites and amazing nature.
ایران مکان های تاریخی زیاد و طبیعت شگفت انگیزی دارد.

مقدس holy-۴۴

holy + shrine حرم مطهر

holy + places اماکن مذهبی

respect + holy shrine/ holy places احترام به حرم مطهر/ اماکن مذهبی

میهمان نواز hospitable-۴۵

kind + hospitable مهربان و میهمان نواز

Example:

- Iranian people are very kind and **hospitable** to tourists.
مردم ایران با توریست ها خیلی مهربان و میهمان نواز هستند.

میهمان guest میزبان host-۴۶

host + country کشور میزبان

host + culture فرهنگ کشور میزبان

تصویر image= picture-۴۷

Example:

Our good behavior can give a good **image** of our country to other people.

رفتار خوب ما تصویر خوبی از کشورمان به دیگر افراد می دهد.

در واقع **in fact = actually** - ۴۸

Example:

In fact, the Taj Mahal is a popular destination.

در واقع تاج محل یک مقصد معروف (در هندوستان) است.

داخل **inside** - ۴۹

داخلی **domestic** بین المللی **international** - ۵۰

توریست بین المللی **international + tourist**

گردشگری بین المللی **international + tourism**

پرواز خارجی **international + flight**

فرودگاه بین المللی **international + airport**

Example:

a. Mehrabad is one of the first **international** airports of Iran.

مهرآباد یکی از اولین فرودگاه های بین المللی ایران است.

b. Tourism can be domestic or **international**. جهانگردی می تواند داخلی یا خارجی باشد.

c. **International** tourists travel abroad. توریست های بین المللی به خارج از کشور سفر می کنند.

محلی **local** - ۵۱

زبان محلی **local + language**

افرد بومی **local + people**

Example:

Learning a few words and phrases of the **local** language can be very useful.

یادگیری چند کلمه یا عبارت مربوط به زبان محلی می تواند مفید باشد.

بلند **loud** - ۵۲

اصلی **main** - ۵۳

جاذبه های گردشگری مهم **main tourist attractions**

حالت **manner** - ۵۴

وعده غذایی **meal** - ۵۵

Example:

You can prepare your own **meals** for your trip.

شما خودتان می توانید وعده های غذایی تان را برای سفر آماده کنید.

۵۶- **means** وسیله

۵۷- **midday** نیم روز

۵۸- **midnight** نیمه شب

۵۹- **mostly** اغلب

۶۰- **necessary** لازم

۶۱- **paradise** بهشت

true + paradise بهشت واقعی

Example:

Iran is a true paradise for people of the world. ایران یک بهشت واقعی برای تمام مردم جهان است.

۶۲- **phrase** عبارت

Example:

Learning a few words and **phrases** of the local language can be very useful.

یادگیری چند کلمه یا عبارت مربوط به زبان محلی می تواند مفید باشد.

۶۳- **pilgrim** زائر

Example:

The pilgrims came to Imam Reza Holy Shrine.

زائران به حرم مطهر امام رضا (ع) آمدند.

۶۴- **plan (for)** برنامه / برنامه داشتن

Example:

Diego is planning for his summer vacation.

دینگو در حال برنامه ریزی برای تعطیلات تابستانی اش است.

۶۵- **point** نکته

۶۶- **polite** مؤدب

۶۷- **popular= famous** معروف

Example:

In fact, the Taj Mahal is a popular destination.

در واقع تاج محل یک مقصد معروف (در هندوستان) است.

تا حد ممکن **as much as possible** - ۶۸

امکان **possibility** - ۶۹

آماده کردن **prepare = make ready** - ۷۰

Example:

You can **prepare** your own meals for your trip.
شما خودتان می توانید وعده های غذایی تان را برای سفر آماده کنید.

ترجیح دادن **prefer** - ۷۱

شاید **probably = maybe** - ۷۲

Example:

a. **Probably** Iran is the best choice.
احتمالا ایران بهترین گزینه است

درست **proper** - ۷۳

هرم **pyramid** - ۷۴

pyramid + Egypt هرم مصر
wonderful + pyramids هرم های شگفت انگیز

Example:

a. There are more than ۱۰۰ **pyramids** in Egypt. بیش از ۱۰۰ هرم در مصر وجود دارد.

b. Egypt is famous for its wonderful **pyramids**. مصر به خاطر هرم های شگفت انگیزش معروف است.

تسلیم شدن **quit** - ۷۵

کاملا **quite** - ۷۶

طیف/سری **range = a set of similar things** - ۷۷

a wide + range یک رینج وسیع

Example:

a. This shop sells a wide **range** of garden fruits. این فروشگاه رینج وسیعی از میوه های باغی را دارد.

b. Tourists can find a **range** of activities from skiing to desert touring in Iran.
توریست ها می توانند طیفی از فعالیت ها از اسکی بازی گرفته تا تور بیابانی را در ایران ببینند.

آماده **ready** - ۷۸

Example:

When everything is **ready**, they can leave the country safely and enjoy their trips.
وقتی همه چیز مهیا است آن ها می توانند کشور را بااطمینان ترک کنند و از سفرشان لذت ببرند.

۷۹- احترام گذاشتن **respect**

Example:

- a. We should **respect** their values. ما باید به ارزش های آن ها احترام بگذاریم.
- b. We must **respect** their way of living/ culture. ما باید به فرهنگ آن ها احترام بگذاریم.
- c. We should **respect** the languages and culture of other countries. ما باید به زبان و فرهنگ کشورهای دیگر احترام بگذاریم.

۸۰- گستاخ و بی ادب **rude**

۸۱- قانون **rule**

break + rule قانون شکنی

Example:

We must not break any **rule** if we want to have a good and safe trip.
اگر می خواهیم سفر امنی داشته باشیم نباید قانون شکنی کنیم.

۸۲- امن و بی خطر **safe**

safe + trip سفر امن و بی خطر

Example:

We must not break any rule if we want to have a good and **safe** trip.
اگر می خواهیم سفر امنی داشته باشیم نباید قانون شکنی کنیم.

۸۳- با اطمینان **safely**

Example:

When everything is ready, they can leave the country **safely** and enjoy their trips.
وقتی همه چیز مهیا است آن ها می توانند کشور را با اطمینان ترک کنند و از سفرشان لذت ببرند.

۸۴- فصل **season**

four + season چهار فصل

Iran is a four-season country. ایران یک کشور چهار فصل است.

۸۵- خریدن **buy** فروختن **sell**

۸۶- حرم **shrine**

۸۷- مکان **site = place**

historical + sites/ places مکان های تاریخی

Example:

- a. Isfahan has many historical **sites**.
اصفهان مکان های تاریخی زیادی دارد.

b. Iran has many historical sites and amazing nature.

ایران مکان های تاریخی زیاد و طبیعت شگفت انگیزی دارد.

متفاوت different شبیه similar- ۸۸

سیگار کشیدن smoke- ۸۹

سوغات souvenir- ۹۰

سرعت speed- ۹۱

گذراندن spend- ۹۲

گذراندن زمان spend + time

خرج کردن پول spend + money

گذراندن تعطیلات spend + vacation

Example:

a. The family spent their summer vacation in Yasooj.

پیشنهاد suggestion- ۹۳

پیشنهاد داشتن have + suggestion

Example:

a. I am not sure about my destination. Do you have any suggestion?

من در مورد مقصدم مطمئن نیستم/ چیزی نمی دانم. هیچ پیشنهادی دارید؟

b. Do you have any suggestion to solve the problem? آیا پیشنهادی برای حل مساله دارید؟

مناسب suitable- ۹۴

گزینه مناسب suitable + choice

مکان مناسب suitable + place

طلوع خورشید sunrise- ۹۵

بلیط ticket- ۹۶

خریدن بلیط buy + ticket

تهیه کردن / خریدن بلیط get + ticket

بلیط هوایی air + ticket

بلیط قطار train + ticket

گردش کردن/ گشتن tour- ۹۷

تور بیابانی desert + touring

Example:

a. Tourists can find a range of activities from skiing to desert **touring** in Iran.

توریست ها می توانند طیفی از فعالیت ها از اسکی بازی گرفته تا تور بیابانی را در ایران ببینند.

گردشگری tourism-۹۸

Example:

a. **Tourism** is traveling for entertainment, health, sport or learning about the culture of a nation.

گردشگری سفر به منظور سرگرمی، سلامتی، ورزش و کسب آگاهی در مورد فرهنگ یک ملت است

b. **Tourism** can be domestic or international. جهانگردی می تواند داخلی یا خارجی باشد.

برج tower-۹۹

wind + tower برج بادی

Example:

Ancient wind towers of Iran are attractive to tourists.

برج های بادی قدیمی ایران برای جهانگردان خیلی جالب و دیدنی هستند.

سنتی traditional-۱۰۰

حمل و نقل transportation-۱۰۱

سفر کردن travel-۱۰۲

Example:

a. **Travel** in the Earth and see how He makes the first creation.

در زمین سفر کنید تا ببینید که خداوند چگونه اولین آفریده را خلق کرد.

b. International tourists **travel** abroad. توریست های بین المللی به خارج از کشور سفر می کنند.

c. We can ask a **travel** agency to book a hotel for us.

ما می توانیم از یک آژانس مسافرتی بخواهیم که یک هتل برایمان رزرو کند.

سفر trip-۱۰۳

short + trips سفرهای کوتاه long + trips سفرهای طولانی

Example:

a. People should also become familiar with their destination before their **trip**.

افراد قبل از سفر باید با مقصدشان آشنا شوند.

b. You can **prepare** your own meals for your trip.

شما خودتان می توانید وعده های غذایی تان را برای سفر آماده کنید.

تعطیلات vacation-۱۰۴

summer + vacation تعطیلات تابستان

spend + vacation گذراندن تعطیلات

Example:

a. The family spent their summer vacation in Yasooj.

خانواده من تعطیلات تابستانی خود را در یاسوج گذراند.

b. Diego is planning for his summer vacation.

دیگو در حال برنامه ریزی برای تعطیلات تابستانی اش است.

۱۰۵- ارزش value

Example:

a. We should be polite to their values. ما باید نسبت به ارزش های آن ها مودب باشیم.

b. We should respect their values. ما باید به ارزش های آن ها احترام بگذاریم.

۱۰۶- مناظر ماندن wait

۱۰۷- بیدار شدن wake up

۱۰۸- جنگ war

۱۰۹- وسیع wide